

Analyze the Role of Media Literacy on Computer Crime from the Perspective of Media and Communications Experts

*Sara Mohammadpour**

Received: 13/09/2016

*Mahvash Soleimani Chogha Saeedi***

Accepted: 19/09/2016

Media literacy is an access ability to medias, critical perception of different aspects of media container for creating communication diverse contexts. According to living in age of communication and the ever increasing use of the media, on the other hand despite the injuries and offenses that occur in the media environment, being media literacy is an effective role on media crimes. The main purpose of this research is analyzing media literacy's impress on computer crimes from expert's viewpoint in communications and media's district. It has used from Elisabet tomen's theory about media literacy and also "using" and "satisfaction" theory as visionary frame. This research's independent variables is media literacy and dependent variables is computer crimes. It used from survey research way, questionnaire tools and attributive study. This research statistical society was include all experts in communications and media,s district that fifty of them got through Non-potential sampling. To test the validity of questionnaires, questions were presented to same experts and professors of communications and then it confirmed and its credibility after the calculation of correlation coefficient's Cronbakh's alpq obtained more than seven percent. The results show that the critical study skills and watch critically and also analyse the social, political and economic role of media on computer crimes. The hypothesis of the possible relationship between media literacy and computer crimes as well as the determination of the consumption of media products and computer crimes.

Keywords: Media Literacy, Computer Crime, Media

* Assistant Professor of Communication Sciences, Islamic Azad University, Tehran West Branch (Corresponding Author), mohamadpour.s@wtiau.ac.ir

** M. A. in Social Communication Sciences Islamic Azad University, West Tehran Branch

سواد رسانه‌ای و چالش‌های جرائم رایانه‌ای

سارا محمدپور*

دریافت: ۱۳۹۵/۶/۲۳

مهوش سلیمانی چقاسعیدی**

پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۲۹

چکیده

سواد رسانه‌ای، توانایی دسترسی به رسانه‌ها، درک و ارزیابی انتقادی جنبه‌های مختلف محتوای رسانه‌ها برای خلق ارتباطات در زمینه‌های گوناگون است. با توجه به زندگی در عصر ارتباطات و استفاده روزافزون شهروندان از رسانه‌ها و از سویی وجود آسیب‌ها و جرائمی که در محیط رسانه‌ای رخ می‌دهد، وجود سواد رسانه‌ای می‌تواند نقش مؤثری بر جرائم رایانه‌ای داشته باشد. هدف اصلی این پژوهش تحلیل نقش سواد رسانه‌ای بر جرائم رایانه‌ای از دیدگاه متخصصان حوزه رسانه و ارتباطات است. در این تحقیق از نظریه‌های الیزابت تومن درباره سواد رسانه‌ای و همچنین نظریه استفاده و خشنودی به‌عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. متغیر مستقل این پژوهش سواد رسانه‌ای و متغیر وابسته جرائم رایانه‌ای است. از روش تحقیق پیمایشی، ابزار پرسشنامه و مطالعه اسنادی استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه متخصصان حوزه رسانه و ارتباطات بودند که ۵۰ نفر از آن‌ها از طریق نمونه‌گیری غیراحتمالی به دست آمد. برای سنجش اعتبار محتوایی پرسشنامه، سؤالات به برخی از صاحب‌نظران و اساتید ارتباطات ارائه شد که مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن پس از محاسبه از طریق ضریب همبستگی آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ به دست آمد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های مطالعه و تماشای انتقادی رسانه‌ها و همچنین، تجزیه و تحلیل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رسانه‌ها بر جرائم رایانه‌ای نقش دارد. همچنین فرضیه احتمال وجود رابطه معنادار بین سواد رسانه‌ای و جرائم رایانه‌ای، بین تعیین میزان و نحوه مصرف محصولات رسانه‌ای و جرائم رایانه‌ای رد شد.

واژگان کلیدی

سواد رسانه‌ای، جرائم رایانه‌ای، رسانه

* استادیار علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب (نویسنده مسئول)

mohamadpour.s@wtiau.ac.ir

** کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب

مقدمه

عصر حاضر را به حق عصر فناوری اطلاعات نامیده‌اند. رایانه یکی از ساخته‌های بسیار مهم و منحصر به فرد بشری است که همه ابعاد زندگی را دگرگون ساخته و آثار گسترده و شگرفی بر جای گذاشته است.

دسترسی به حجم انبوهی از اطلاعات موجود به واسطه ابزارهای نوین و قابلیت‌های اینترنت و شبکه‌های رایانه‌ای منجر به رشد سطح آگاهی‌های افراد جامعه شده است. اینترنت علی‌رغم تمامی امکانات و قابلیت‌هایی که دارد، از طرفی افراد سودجو و فرصت‌طلب را قادر ساخته تا راه‌های ورود به دستگاه‌های رایانه‌های دولتی، خصوصی و سازمان‌های حساس را به دست آورند. به علاوه پیامدهای رفتار مجرمان با توجه به نبود محدودیت‌های جغرافیایی یا مرزهای ملی در دنیای مجازی بیشتر از قبل و دور از تصور است. استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی نوین همچنین مفاهیم قانونی جاری در جامعه را نیز با چالش‌هایی مواجه ساخته است. تصویب کنوانسیون جرائم رایانه‌ای، تصویب قوانین مبارزه با این جرائم توسط قانون‌گذاران کشور و تشکیل واحدهای مبارزه با آن در سازمان‌های نیروهای انتظامی بیشتر کشورهای پیشرفته و داخل کشور و تجهیز آن‌ها به جدیدترین سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای کشف این‌گونه جرائم و به‌کارگیری بهترین متخصصان در واحدهای مذکور، بخشی از این اقدامات مقابله‌ای را تشکیل می‌دهند. برخی از جرائم اینترنتی به شکل‌های مختلف عبارت‌اند از: کلاه‌برداری اینترنتی، سوءاستفاده از خطوط مکالمات تلفنی، سوءاستفاده از کارت‌های اعتباری، هک و ورود ویروس به رایانه‌های دیگر، پول‌شویی، جرائم سایبری، جرائم اینترنتی، جرائم دیجیتالی و... (حقگو جهرمی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۲).

فناوری اطلاعات در قلمرو حقوق کیفری نیز تحولات چشم‌گیری ایجاد کرده است. امروزه رایانه و تجهیزات رایانه‌ای امکان بیش‌ازپیش رفتارهای ضد اجتماعی را به وجود آورده است، جرائمی که تا پیش‌ازاین به‌هیچ‌وجه امکان‌پذیر نبوده، فرصت‌های تازه و بسیار پیشرفته‌ای برای قانون‌شکنان فراهم آورده است.

در مورد تعریف جرم رایانه‌ای، آقای دکتر خرم‌آبادی جرائم رایانه‌ای را جزء جرائم مرتبط با فناوری اطلاعات می‌داند و این‌گونه بیان می‌کند که اصطلاحات جرم رایانه‌ای

و جرم مرتبط با رایانه، اولین و قدیمی‌ترین اصطلاحاتی هستند که برای نسل اول جرائم فناوری اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته‌اند و علت انتخاب عناوین جرم رایانه‌ای و جرم مرتبط با رایانه برای این‌گونه جرائم این بوده که رایانه به‌عنوان هدف و یا وسیله ارتکاب جرم در این‌گونه جرائم محوریت داشته است» (خرم‌آبادی، ۱۳۸۳، ص ۷۶).

در سال ۱۹۸۳م در پاریس، گروهی از متخصصان به دعوت سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ تعریفی از جرم رایانه‌ای را ارائه کردند که عبارت است از: «سوءاستفاده از رایانه‌ها شامل هر رفتار غیرقانونی، غیراخلاقی یا غیرمجاز مربوط به پردازش خودکار و انتقال داده است». در این تعریف گرچه به‌صراحت از جرائم رایانه‌ای نام برده نشده، ولی منظور از سوءاستفاده از رایانه همان جرائم رایانه‌ای است. در تعریف دیگری آمده است: «هر عمل مثبت غیرقانونی که رایانه در آن ابزار یا موضوع جرم باشد، جرم رایانه‌ای است» (سیاست جنایی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۸).

عصر اطلاعات چالش‌های جدی پیرامون آنچه رسانه‌ها تولید می‌کنند و مخاطبان با آن مواجه می‌شوند، به وجود آورده است. مصرف‌کنندگان فناوری‌های جدید در تمامی نقاط دنیا حریم خصوصی امنی ندارند و این معضل همراه با ماهیت در حال تغییر اطلاعات و فناوری در جهان امروز افراد را ناگزیر از کسب مهارت‌ها و قابلیت‌های جدیدی برای انطباق با این وضعیت و مقابله با مسائل و مشکلات ناشی از آن کرده است. امروزه در دنیای رسانه‌ها داشتن سوادی که به مخاطب امکان تجزیه و تحلیل و آگاهی می‌دهد، اجتناب‌ناپذیر است. در گذشته، تولید کالاهایی نظیر نفت، زغال‌سنگ و فولاد ستون فقرات قدرت نظامی ملت‌ها را تشکیل می‌داد که امروزه این روند به سمت سامانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی در حال تغییر است. به همین دلیل دسترسی به مجاری ارتباطی داخلی و بین‌المللی، به هدف عمده تبدیل شده است (مولانا، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷).

متمرکزسازی اطلاعات سبب تمرکز بی‌سابقه قدرت در دست آن‌هایی می‌گردد که به رایانه دسترسی دارند و در نهایت اختلاف قدرت میان دو گروه تقویت خواهند شد: آن‌هایی که برای استفاده از این وسیله آموزش کافی دیده‌اند و آن‌هایی که فاقد این آموزش هستند (محسنی، ۱۳۸۰، ص ۳۶).

برخی معتقدند که «ظهور جامعه اطلاعاتی و نقش آن در پدید آمدن یک فرهنگ نوین مبتنی بر نهادها، رموزها، الگوها، برنامه‌ها، طرز بیان‌ها، الگوریتم‌ها و نمونه‌های مجازی و چشم‌اندازهای ذهنی یک «سوادآموزی داده‌ورزی (انفورماتیک)» را ایجاب می‌کند» (معمدنژاد، ۱۳۸۲، ص ۱۴۰).

نویسندگان دیگری مانند آدامز وهام نیز از «سواد رسانه‌ای» برای تجهیز مخاطبان در عصر اطلاعات استفاده کرده‌اند. گودین نیز هم از «سواد بصری» نام برده است (بصیریان جهرمی، ۱۳۸۵، ص ۳۴).

اما در عصر اطلاعات، تسلط بر تمامی این سوادها لازم و ضروری است. همان‌گونه که خط و کتابت، انقلابی بزرگ در تاریخ تطور انسان به شمار می‌رود، چه موجبات آن را فراهم ساخت که انسان و پیامش برای تمامی تاریخ باقی بماند و با تسلط بر نوشته‌ها و پیام‌های دیگران به عمق تاریخ رخنه کند و علی‌رغم فاصله‌های زمانی و مکانی ارتباطات عمیق انسانی از طریق مطالعه صورت پذیرد (ساروخانی، ۱۳۸۴، ص ۵۹).

در دنیای امروز هم بنا به مقتضیات پیش آمده، نوع بشر به سوادی نیاز دارد تا بتواند به همان طریق که سواد سنتی (سواد خواندن و نوشتن) در دورانی نقطه عطفی در تاریخ ارتباطات و به تبع آن تاریخ جوامع انسانی به وجود آورد، از آن بهره گیرد.

این سواد «سواد رسانه‌ای» نام دارد که «سواد خواندن»، «سواد بصری» و «سواد رایانه‌ای» صرفاً اجزای سازنده آن‌اند و هیچ‌کدام به تنهایی معادل آن نیستند. همان‌طور که سواد سنتی شامل مهارت‌های خواندن و نوشتن است، سواد رسانه‌ای نیز شامل توانایی‌ها و مهارت‌های خواندن و رمزگشایی (درک) و همچنین نوشتن و یا رمزگذاری (خلق، طرح و تولید) است (حیدری زهراپور، ۱۳۸۳، ص ۱۵۷).

از نظر بعضی کارشناسان ارتباطات، سواد رسانه‌ای به معنای فراگیری چگونگی تولید پیام با استفاده از رسانه‌های چاپی، سمعی و بصری و... است (سپاسگر، ۱۳۸۵، ص ۲۲۵)؛ به عبارت دیگر، سواد رسانه‌ای «توانایی دستیابی، تجزیه و تحلیل، نقد، ارزیابی و ایجاد ارتباط به گونه‌های مختلف است» (سپاسگر، ۱۳۸۵، ص ۲۲۱). به نظر آنان فرد واجد این مهارت می‌تواند درباره آنچه در کتاب، روزنامه، مجله، تلویزیون، رادیو، فیلم، موسیقی، تبلیغات، بازی‌های ویدئویی، اینترنت و... می‌بیند، می‌خواند و می‌شنود، فکر کند.

به نظر دکتر شکرخواه، سواد رسانه‌ای همچنین کمک می‌کند تا قضاوت‌های صحیح‌تری از محیط پیرامون خود داشته باشیم. پارامترهایی که سواد رسانه‌ای در اختیار می‌گذارد، باعث می‌شود تا درک عمیق‌تری از آنچه می‌بینیم، می‌شنویم و می‌خوانیم، داشته باشیم. به طوری که افراد بی‌بهره از سواد رسانه‌ای را می‌توان طعمه‌های اصلی در فضاهاى رسانه‌ای به شمار آورد.

«آموزش سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی را مورد تأکید قرار می‌دهد و آن را مهارتی لازم و ضروری برای تمامی شهروندان و افراد یک جامعه برمی‌شمارد؛ بنابراین، سیاست‌گذاران باید تمهیداتی بیندیشند تا از طریق آن، سواد رسانه‌ای به‌عنوان جزئی اساسی از زندگی هر شخص به حساب آید. سیاست‌گذاران رسانه‌ای باید چارچوبی را تدوین کنند که در آن تفکر انتقادی یک هدف محسوب شده و سواد رسانه‌ای چیزی فراتر از یک واکسن در برابر ناملایمات محیطی شناخته شود» (بصیریان جهرمی و همکار، ۱۳۶۸، ص ۴۷).

هدف عمده آموزش سواد رسانه‌ای این است که گیرندگان ارتباطات جمعی در فرآیند انتقال و کسب اطلاعات به شرکت‌کنندگان فعال و آزاد تبدیل شوند؛ نه اینکه حالتی ایستا، منفعل و تابع نسبت به تصاویر و ارزش‌هایی داشته باشند که در یک جریان یک‌طرفه از منابع رسانه‌ای انتقال پیدا می‌کنند؛ بنابراین، مخاطب با آموختن سواد رسانه‌ای توانایی شناسایی پیام‌های مخرب را کسب کرده و می‌تواند نوعی رژیم مصرف رسانه‌ای را برای خود تنظیم کند. این مهارت هم چون یک رژیم غذایی عمل می‌کند که هوشمندانه مراقب است چه موادی مناسب هستند و چه موادی مضر؛ چه چیزی را باید مصرف کرد و چه چیزی را نه؛ و یا اینکه میزان مصرف هر ماده بر چه مبنایی باید استوار باشد. سواد رسانه‌ای می‌تواند به مخاطبان رسانه‌ها بیاموزد که از حالت یک مصرف‌کننده محض خارج شده و به‌صورتی فعالانه به‌گونه‌ای در جریان انتقال اطلاعات قرار گیرند که در نهایت به نفع آنان باشد (باکینگهام، ۱۳۸۹، ص ۵۶).

امروزه افراد زیادی از فضای مجازی استفاده‌های گوناگون می‌کنند؛ اما همه آن‌ها الزاماً دارای سواد رسانه‌ای نمی‌باشند. کارشناسان ارتباطات در گذشته همیشه از نقش

دانش و یا سواد رسانه‌ای در نوع استفاده از فضای مجازی سخن رانده‌اند؛ اما به‌زعم پژوهشگر، باید اکنون نقش سواد رسانه‌ای در جرائم رایانه‌ای و همچنین نقش آن در وقوع این جرائم بررسی و تحلیل گردد؛ زیرا وجود عوامل سواد رسانه‌ای در فرد، قدرت بهره‌برداری از فضای مجازی را به فرد می‌دهد که ممکن است این بهره‌برداری شکل جرم را به خود بگیرد. از سوی دیگر، در صورتی که کاربران فضای مجازی مجهز به سلاح سواد رسانه‌ای باشند، کمتر مورد آسیب قرار می‌گیرند. سؤال اساسی در ذهن پژوهشگر این است که آیا سواد رسانه‌ای بر جرائم رایانه‌ای نقش دارد؟ و اینکه سطوح سواد رسانه‌ای هرکدام چه نقشی در جرائم رایانه‌ای دارند؟

تعریف سواد رسانه‌ای

در اذهان بسیاری از افراد واژه «سواد» با رسانه‌های چاپی بیشترین ارتباط را دارد؛ چنان‌که معادل توانایی خواندن است. بسیاری وقتی صحبت از رسانه‌های دیگری همچون فیلم و تلویزیون است، اصطلاح سواد بصری را به کار می‌برند و نویسندگان دیگری نیز از اصطلاح سواد رایانه‌ای استفاده کرده‌اند (Adams & Hamm, 1989).

«سواد خواندن»، «سواد بصری»، «سواد رایانه‌ای» معادل «سواد رسانه‌ای» نیستند؛ در مقابل صرفاً اجزای سازنده آن‌اند. اگر خواندن بلد نباشیم، از رسانه‌های چاپی چیز زیادی دستگیرمان نمی‌شود. اگر درک آداب بصری و روایی مشکل داشته باشیم، نمی‌توانیم از تلویزیون یا فیلم چیز زیادی بفهمیم و اگر نتوانیم از رایانه استفاده کنیم، از آنچه به‌مرور زمان در مهم‌ترین رسانه رخ می‌دهد، بی‌خبر می‌مانیم. سواد رسانه‌ای فراتر از این توانایی‌های ویژه و چیزی عمومی‌تر است؛ سواد رسانه‌ای مجموعه‌ای از چشم‌اندازهاست که ما به‌طور فعالانه برای قرار گرفتن در معرض رسانه از آن بهره‌برداری می‌کنیم تا معنای پیام‌هایی را که با آن‌ها مواجه می‌شویم تفسیر کنیم (پاتر، ۱۳۸۵، ص ۱۷).

بر اساس تعریفی که کارشناسان حوزه ارتباطات، کریست و پاتر^۲، ارائه داده‌اند، سواد رسانه‌ای «توانایی دستیابی، تجزیه و تحلیل، نقد، ارزیابی و ایجاد ارتباط به‌گونه‌های مختلف است» (Alliance for Media Literacy, 2001, p.1).

از نظر آنان، فرد واجد این مهارت قادر است به صورت منتقدانه، درباره آنچه در کتاب، روزنامه، مجله، تلویزیون، رادیو، فیلم، موسیقی، تبلیغات، بازی‌های ویدئویی و اینترنت می‌بیند، می‌خواند و می‌شنود، فکر کند. همچنین، سواد رسانه‌ای از نظر برخی کارشناسان، به معنای فراگیری چگونگی تولید پیام با استفاده از رسانه‌های چاپی، سمعی و بصری است (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ص ۳).

به نظر رومینسکی و هنکس^۳، «سواد رسانه‌ای را می‌توان تقویت تجارب رسانه‌ای دانست» (Ruminski & Hanks, 1995, p.5).

جین تالیم^۴ «سواد رسانه‌ای را توانایی بررسی و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای می‌داند که هرروزه برای اطلاع‌رسانی و سرگرم کردن ما توسط رسانه‌ها ارائه می‌شود» (Ruminski & Hanks, 1995, p.5).

تالیم معتقد است سواد رسانه‌ای طرح پرسش درباره آنچه در رسانه‌هاست و آنچه نیست و همراه این شم که در پشت تولیدات رسانه‌ای چه نهفته است (انگیزه چیست؟ پول از کجا تأمین شده و ارزش‌ها و مالکیت رسانه چگونه است؟) و آگاهی داشته باشیم چگونه این عوامل بر محتوای رسانه اثر می‌گذارند (حسینی پاکدهی، ۱۳۸۷، ص ۱).

مارین بارون مدیر بخش چندرسانه‌ای و عضو هیئت‌مدیره آموزش‌شکده زبان انگلیسی مونترال کانادا، سواد رسانه‌ای را جزء مؤلفه‌های باسوادی می‌پندارد و می‌نویسد: «امروزه افراد باسواد باید بتوانند:

توانایی رمزگشایی، درک، ارزیابی و کار با اشکال مختلف رسانه را داشته باشند.
بخوانند و ارزیابی کنند و متن، تصویر و صدا بیافرینند و یا ترکیبی از این عناصر داشته باشند» (قاسمی، ۱۳۸۵، ص ۸۷).

دانشمندان با الگوبرداری از کشور کانادا تعاریف مختلفی را تبیین کرده‌اند. میدوری سوزوکی سواد رسانه‌ای را چنین تعریف می‌کند: «ابزاری برای توانمند ساختن شهروندان برای انجام تحلیل انتقادی و ارزیابی رسانه‌ها دریافت اجتماعی، دسترسی به رسانه‌ها، برقراری اشکال متعدد ارتباط به شکل‌های مختلف و ایجاد موضوعی انتقادی است» (قاسمی، ۱۳۸۵، ص ۸۷).

برنیسکی^۵ سواد رسانه‌ای را این‌گونه تعریف کرده است: «توانایی خواندن و درک رسانه‌ها» (Fedorov, 2003, p.5). برخی دیگر سواد رسانه‌ای را «توانایی دسترسی، تحلیل، ارزیابی و برقراری ارتباط با پیام‌های رسانه‌ای در اشکال مختلف است»، تعریف کرده‌اند (Chirst & Pozer, 1998, p.19).

با جمع‌بندی تعاریف ارائه‌شده می‌توان مفهوم سواد رسانه‌ای را این‌گونه خلاصه کرد: سواد رسانه‌ای مجموعه‌ای از رویکردهاست که مخاطبان به‌طور فعالانه برای مواجهه گزینشی با رسانه‌ها و تحلیل و ارزیابی نقادانه محتوای رسانه‌ها برمی‌گیرند تا معنای پیام‌هایی را که با آن مواجهه می‌شوند، تفسیر کنند. توانمندی خاصی است که مخاطب را در برابر متن‌ها به موضوعی فعال تبدیل می‌کند. مجموعه‌ای از چشم‌اندازهاست که ما به‌طور فعالانه برای قرار گرفتن در معرض رسانه از آن‌ها بهره‌برداری می‌کنیم تا معنای پیام‌هایی را که با آن‌ها مواجه می‌شویم، تفسیر کنیم.

آمیزه‌ای از فنون بهره‌برداری مؤثر از رسانه و کسب بینش و درک برای تشخیص رسانه‌ها از یکدیگر است.

درکی متکی بر مهارت است که می‌توان بر اساس آن انواع رسانه‌ها را از یکدیگر تمییز داد و انواع تولیدات رسانه‌ای را از هم تفکیک و شناسایی کرد. سواد رسانه‌ای قدرت درک نحوه کارکرد رسانه‌ها و معنی‌سازی در آن‌ها و دسترسی، تجزیه و تحلیل و تولید ارتباط در شکل‌های گوناگون رسانه‌ای و مصرف انتقادی محتواست (حسینی پاکدهی، ۱۳۸۷، ص ۲).

اما تعاریفی که در ایران ارائه شده است، سواد رسانه‌ای را سواد می‌دانند که مخاطب به مدد آن می‌آموزد که در شرایط انبوه شدن پیام، چگونه پیام‌های موردنیاز را جستجو کند و اهداف پیام را تشخیص دهد.

مرحوم کاظم معتمدنژاد پدر علم ارتباطات در ایران و استاد برجسته دانشگاه علامه طباطبایی، سواد رسانه‌ای را درک ماهیت و کارکردهای رسانه‌ها می‌داند و تأکید دارد که ژانرهای رسانه‌ای است که در آن طرف توجه قرار می‌گیرد (شکرخواه: وبگاه اینترنتی دات، ۱۳۸۴).

پرویز علوی، دارای دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و عضو هیئت‌علمی دانشگاه، سواد رسانه‌ای را مقوله‌ای می‌داند که سعی می‌کند درکی عمیق و منتقدانه از پیام‌های وسایل ارتباط‌جمعی ایجاد کند و هدف از آن افزایش و تقویت اندیشه انتقادی، با استفاده از رسانه‌هاست (علوی، ۱۳۸۸، ص ۱۶).

غلامرضا ارجمندی، عضو هیئت‌علمی گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، سواد رسانه‌ای را این‌گونه تعریف می‌کند: «سواد رسانه‌ای به بیانی کلی، تأکیدی است بر این مطلب که برخلاف تصور رایج، درک پیام‌های رسانه‌ای و اساساً شیوه رفتار با رسانه، به دانش و مهارت‌های خاصی نیاز دارد و در بیانی دقیق‌تر، عبارت است از مهارت تفکر استدلالی و نقاد به‌نحوی که مخاطب بتواند، درباره محتوای رسانه قضاوتی مستقل داشته باشد» (ارجمندی، ۱۳۸۴، ص ۵).

سواد رسانه‌ای در یک تعریف بسیار کلی عبارت است از یک نوع درک متکی بر مهارت که بر اساس آن می‌توان انواع رسانه‌ها و انواع تولیدات آن‌ها را شناخت و از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد. این تعریف را یونس شکرخواه (عضو گروه مطالعات بریتانیا- دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران و صاحب‌نظر در زمینه ارتباطات) ارائه کرده است (وبگاه همشهری آن‌لاین، ۱۳۸۸).

یحیی کمالی‌پور (رئیس دپارتمان ارتباطات و هنرهای خلاق در دانشگاه پوردو آمریکا)، سواد رسانه‌ای را شامل تحقیق، تحلیل، آموزش و آگاهی از تأثیرات رسانه‌ها (رادیو، تلویزیون، فیلم، موسیقی، روزنامه مجله، کتاب و اینترنت) بر روی افراد و جوامع می‌داند (وبگاه مجله علوم اجتماعی، ۱۳۸۶).

مهدی محسنیان راد (استاد علوم ارتباطات) بر این تأکید دارد که آی سی تی^۶ موجب پیدایش سواد رسانه‌ای شده است، وی می‌گوید: «در حقیقت ورود به عصر ارتباطات و اطلاعات و پیدایش ابزار نوین آی سی تی، سواد، آن هم با عنوان سواد رقومی متولد ساخته است. وی اولین مخاطبان سواد رسانه‌ای را میان‌سالان دهه ۱۹۹۰ می‌داند که باید تحت تعلیم استفاده از فناوری‌های نوین برای رویارویی با خروجی رسانه‌ها و اصلاً کارکرد آن‌ها قرار می‌گرفتند» (افراسیابی، ۱۳۸۷، ص ۴).

محمد الستی (مدرس علوم ارتباطات) در تعریف سواد رسانه‌ای اظهار می‌دارد: «سواد رسانه‌ای در واقع معیاری از توانایی و قابلیت فردی در درک مستقل رسانه است» (افراسیابی، ۱۳۸۷).

بیشتر صاحب‌نظران این تعریف سواد رسانه‌ای را پذیرفته‌اند که سواد رسانه‌ای به معنای توانایی دسترسی، تجزیه و تحلیل، ارزیابی و انتقال اطلاعات در اشکال مختلف اعم از مکتوب یا غیرمکتوب است. همان‌طور که سواد سنتی شامل مهارت‌های خواندن و نوشتن است، سواد رسانه‌ای نیز شامل توانایی‌ها و مهارت‌های خواندن یا رمزگشایی (درک) و همچنین نوشتن یا رمزگذاری (خلق، طرح و تولید) است (حیدری زهرابور، ۱۳۸۳، ص ۱۵۷).

«بنابراین، می‌توان سواد رسانه‌ای را به صورت‌های زیر تعریف کرد:

– اگرچه در سواد رسانه‌ای از رسانه‌ها انتقاد می‌شود، این به معنای استفاده نکردن از رسانه نیست.

– سواد رسانه‌ای، به معنای محدود کردن تماشای تلویزیون نیست بلکه به معنای تماشای با دقت آن است.

– سواد رسانه‌ای، کشف ساده اهداف سیاسی، کلیشه‌ها و بازنمایی‌های انحرافی نیست بلکه فهم نکاتی است که در رسانه‌ها، هنجار تلقی می‌شوند» (سپاسگر، ۱۳۸۴، ص ۱۳۳).

با توجه به تعاریف متعدد صاحب‌نظران حوزه ارتباطات از سواد رسانه‌ای، تعریف کریست و پاتر که سواد رسانه‌ای را «توانایی دسترسی، تحلیل، ارزیابی و برقراری ارتباط با پیام‌های رسانه‌ای در اشکال مختلف است»، به‌عنوان تعریف اصلی از سواد رسانه‌ای در این پژوهش به کار خواهم برد.

تعریف جرائم رایانه‌ای

برخی از مفاهیم کلیدی در زمینه جرائم رایانه‌ای در این قسمت تعریف و شناسایی می‌گردد. تاکنون طیف وسیعی از عناوین برای توصیف جرم رایانه‌ای^۷ مورد استفاده قرار گرفته است: جرم مجازی^۸، جرم سایبری^۹، جرم روی خط^{۱۰}، جرم رقومی^{۱۱}، جرائم

فناوری سطح بالا^{۱۲}، جرم مرتبط با رایانه^{۱۳}، جرم مرتبط با ارتباطات از راه دور^{۱۴}، جرم معاونت رایانه^{۱۵} و جرم الکترونیکی^{۱۶}، از جمله این عناوین است. مسئله تعیین حدود اعمال ممنوعه داخل در تعریف جرم مشارالیه، نام‌گذاری آن را نیز دشوار کرده است. میان کارشناسان درباره آنچه اجزای جرم رایانه‌ای را تشکیل می‌دهد، مباحث زیادی صورت گرفته است؛ با این‌همه، پس از گذشت سال‌ها هنوز یک تعریف رسمی و جامعی که در سطح بین‌المللی مورد قبول باشد، ارائه نشده است. این امر ناشی از عوامل مختلفی است: یکی از این عوامل تفاوت سطوح کاربری و بهره‌برداری از فناوری اطلاعات در کشورهای مختلف است. عامل دیگر، تفاوت در دیدگاه‌ها و نظریات است که تعاریف بر مبنای آن‌ها قرار گرفته است. عامل بعدی تفاوت در نظام حقوقی کشورهاست که موجب می‌شود در مقابل یک پدیده نوظهور واکنش‌های متفاوتی بروز دهند. تفاوت در تعریف جرائم رایانه‌ای موجب اختلاف در تبیین مصادیق آن شده است. بدین صورت که بعضی از تعاریف، موسع بوده و شامل طیف گسترده‌ای از انواع جرائم جدید و سنتی می‌شود که توسط رایانه ارتکاب می‌یابد. از این جهت، تروریسم سایبری^{۱۷} در این تعریف می‌گنجد. در مقابل بعضی تعریف مضیق بوده و مصادیق کمتری را در بر می‌گیرد (خرم‌آبادی، ۱۳۸۲، ص ۲۷).

در تعریف دیگری از جرم رایانه‌ای چنین بیان شده که «اصطلاحات جرم رایانه‌ای و جرم مرتبط با رایانه، اولین و قدیمی‌ترین اصطلاحاتی هستند که برای نسل اول جرائم فناوری اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته‌اند و علت انتخاب عناوین جرم رایانه‌ای و جرم مرتبط با رایانه برای این‌گونه جرائم این بوده که رایانه به‌عنوان هدف و یا وسیله ارتکاب جرم در این‌گونه جرائم محوریت داشته است» (خرم‌آبادی، ۱۳۸۳، ص ۷۶).

برخی از نویسندگان جرائم رایانه‌ای را مترادف با جرم سایبری می‌دانند و آن دو را دارای دو معنی و مفهوم می‌دانند. «در تعریف مفیدی، جرم رایانه‌ای صرفاً عبارت از جرائمی است که در فضای سایبر رخ می‌دهد؛ از این نظر جرائمی مثل هرزه‌نگاری، افتراء، آزار و اذیت و سوءاستفاده از پست الکترونیکی و سایر جرائمی که در آن‌ها رایانه به‌عنوان ابزار و وسیله ارتکاب جرم به کار گرفته می‌شود، در زمره جرم رایانه‌ای قرار نمی‌گیرد. در تعریف موسع از جرم رایانه‌ای هر فعل و ترک فعلی که «در» یا «از طریق» یا «به کمک» از

طریق اتصال به اینترنت، چه به‌طور مستقیم، یا به‌طور غیرمستقیم رخ می‌دهد و توسط قانون ممنوع گردیده و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است، جرم رایانه‌ای نامیده می‌شود و بر این اساس جرائم رایانه‌ای را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

دسته اول: جرائمی هستند که در آن‌ها رایانه و تجهیزات جانبی آن موضوع جرم واقع می‌شوند؛ مانند سرقت، تخریب و غیره.

دسته دوم: جرائمی هستند که در آن‌ها رایانه به‌عنوان ابزار وسیله توسط مجرم برای ارتکاب جرم به کار گرفته می‌شود.

دسته سوم: جرائمی هستند که می‌توان آن‌ها را جرائم رایانه‌ای محض نامید. این نوع از جرائم کاملاً با جرائم کلاسیک تفاوت دارند و در دنیای مجازی به وقوع می‌پیوندند؛ اما آثار آن‌ها در دنیای واقعی ظاهر می‌شود، مانند دسترسی غیرمجاز به دستگاه‌های رایانه‌ای» (پرویزی، ۱۳۸۱، ص ۸).

تعاریف موجود از جرائم رایانه‌ای

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^{۱۸} جرم رایانه‌ای را چنین تعریف می‌کند «سوءاستفاده از رایانه شامل هر رفتار غیرقانونی غیراخلاقی یا غیرمجاز مربوط به پردازش خودکار و انتقال داده‌هاست» (خداقلی، ۱۳۸۴، ص ۲۹).

«کمیته اروپایی مسائل جنایی در شورای اروپا در سال ۱۹۸۹ گزارش‌کاری بیان کرد که در آن یکی از متخصصان چنین تعریفی ارائه کرده است: هر فعل مثبت غیرقانونی که رایانه، ابزار یا موضوع جرم باشد، یعنی به‌عبارت‌دیگر، هر جرمی که ابزار یا هدف آن تأثیرگذاری بر عملکرد رایانه باشد» (خداقلی، ۱۳۸۴، ص ۳۰).

پلیس جنایی فدرال آلمان جرم رایانه‌ای را چنین تعریف می‌کند: «جرم رایانه‌ای دربرگیرنده همه اوضاع و احوال و کیفیاتی است که در آن شکل‌های پردازش الکترونیکی داده‌ها، وسیله ارتکاب و یا هدف یک جرم قرار گرفته و مبنایی برای نشان دادن این ظن است که جرمی ارتکاب یافته است» (باستانی، ۱۳۸۳، ص ۲۲).

همچنین پلیس ژاپن جرم رایانه‌ای را چنین تعریف کرده است «جرائم متضمن اعمال توأم با بی‌مبالاتی یا حوادثی که موجب تخریب عملکرد سیستم رایانه یا استفاده غیرقانونی از آن باشد، جرم رایانه‌ای است» (باستانی، ۱۳۸۳، ص ۲۲).

در مورد این تعریف باید گفت که پلیس ژاپن حوادثی را که موجب تخریب سیستم رایانه شود نیز جزء جرائم آورده‌اند که به اطلاق حوادث در این تعریف ایراد وارد است؛ زیرا ما باید بین زمانی که فردی حادثه را ایجاد می‌کند و یا ایجاد و سبب حادثه موجب ورود ضرر می‌شود و تخریب در عملکرد سیستم به وجود می‌آورد، مرتکب جرم می‌شود و یک زمان یک حادثه قهراً به وجود می‌آید و موجب ضرر می‌شود که در این مورد نمی‌توان آن را جرم دانست؛ چراکه عنصر اراده مختل شده و اصل «مسلوب اراده بودن باعث رفع مسئولیت کیفری است» و در این زمان نمی‌توان فرد را مجرم دانست و اطلاق تعریف در حادثه شامل مورد دوم، یعنی حوادث قهری نیز می‌شود که صحیح به نظر نمی‌رسد و بهتر بود حادثه را به شکلی می‌آورد که فقط شامل مورد دوم شود. همچنین قانون‌گذار کشور فنلاند جرم رایانه‌ای را چنین تعریف کرده‌اند: «جرمی است که دربرگیرنده سیستم داده‌ها یا واحدهای نرم‌افزار و سخت‌افزار به‌عنوان یک هدف و یا یک ابزار یا یک رکن عمل مجرمانه است» (خرم‌آبادی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷) و همچنین وزارت دادگستری آمریکا، «هرگونه عمل ناقض قانون کیفری که مستلزم آشنایی با دانش مربوط به فناوری رایانه جهت ارتکاب عمل، تعقیب و یا رسیدگی به آن باشد، جرم رایانه‌ای است» (خرم‌آبادی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷).

این تعریف نیز کامل به نظر نمی‌رسد؛ به این دلیل که یک زمان رایانه وسیله ارتکاب جرم می‌شود؛ یعنی اینکه ما از رایانه برای جعل و کلاهبرداری استفاده می‌کنیم، با دانشی که از رایانه داریم، اقدام به عمل متقلبانه و بعد از فریب بزه‌دیده کلاهبرداری می‌کنیم که در این صورت کلاهبرداری ما «کلاهبرداری کلاسیک رایانه‌ای» است و «کلاهبرداری رایانه‌ای محض» فرق دارد و یک زمان ما با مداخله در سیستم بدون اینکه آن را وسیله قرار دهیم و بدون اینکه نیاز به فریب باشد، در جرم کلاهبرداری، مثلاً ما اقدام به انتقال وجه به خود یا دیگران می‌کنیم که در این حالت رایانه وسیله نیست که تعریف این مسئله را شفاف بیان

نکرده است و از تعریف این‌گونه استنباط می‌شود که این تعریف شامل مواردی مثل کلاه‌برداری رایانه‌ای محض نمی‌شود (خرم‌آبادی، ۱۳۸۴، ص ۸۶).

قبل از هر چیز باید باید بین جرم رایانه‌ای به معنای اعم و جرم رایانه‌ای به معنای اخص قائل به تفکیک شد. جرائم رایانه‌ای به معنای اعم هم شامل جرائم ضد داده‌ها و هم شامل جرائم محیط سایبر می‌شود، ولی جرائم رایانه‌ای به معنای اخص شامل جرائم رایانه‌ای نسل اول می‌شود و نکته دیگر اینکه همان‌طور که بیان شد، تعاریف مختلفی در مورد جرم رایانه‌ای ارائه شده و تعریف واحد بین‌المللی در این زمینه وجود ندارد. در مورد تعاریف ارائه‌شده، برخی نکات باید بیان شود:

باید بین جرائم رایانه‌ای با جرائم سایبر قائل به تفکیک شد؛ چراکه جرائم رایانه‌ای جزء جرائم رایانه‌ای نسل اول هستند و جرائم سایبر جزء جرائم رایانه‌ای نسل سوم هستند که بین این‌ها فرق وجود دارد. حتی اگر جرائم رایانه‌ای را نیز به‌طور اعم بگیریم، جرائم رایانه‌ای مترادف جرائم سایبر (جرائم محیط مجازی) نیست که برخی از نویسندگان به اشتباه این دو را با هم می‌آورند بلکه جرائم رایانه‌ای به معنای اعم هم شامل جرائم رایانه‌ای به معنای اخص، هم شامل جرائم ضد داده‌ها و هم شامل جرائم سایبر می‌شود و شمولیت دارد که خود آن جزئی از جرائم فناوری اطلاعات است و به نظر پژوهشگر جرائم اینترنتی نیز شامل جرائم رایانه‌ای به معنای اعم می‌شود.

تعریفی که سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ارائه داده نیز به نظر پژوهشگر جامع و کامل نیست و شامل جرائمی که ضد رایانه انجام می‌شود یا جرائمی که توسط رایانه صورت می‌پذیرد، نمی‌شود و این سازمان هر رفتار غیراخلاقی یا غیرمجاز مربوط به پردازش خودکار و انتقال داده‌ها را جرم رایانه‌ای تعریف کرده که از این تعریف، تنها یک شکل آن به‌عنوان جرائم رایانه‌ای مطرح شده است (خرم‌آبادی، ۱۳۸۴، ص ۸۶).

تقسیم‌بندی جرائم رایانه‌ای

از آنجاکه جرائم رایانه‌ای جنبه بین‌المللی پیدا کرده، اجماع جهانی سهم بسزایی در تسهیل همکاری‌های بین‌المللی در تعقیب و کشف داشته است؛ طبقه‌بندی‌های این جرائم به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم با حیطه تجارت الکترونیکی مرتبط است.

در اولین تقسیم‌بندی مبنی بر گزارش جرم رایانه‌ای، تحلیل سیاست‌های قانونی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD, 1986)، جرائم رایانه‌ای را به ۵ دسته تقسیم می‌کند:

الف. ورود، تغییر، پاک کردن و یا متوقف‌سازی داده‌های رایانه‌ای و برنامه‌های رایانه‌ای که به‌طور ارادی با قصد انتقال غیرقانونی وجوه و یا هر چیز دیگر صورت گرفته باشد.

ب. ورود، تغییر، پاک کردن و یا متوقف‌سازی داده‌های رایانه‌ای و برنامه‌های رایانه‌ای که به‌صورت عمدی و به‌قصد ارتکاب به جعل صورت گرفته باشد.

ج. ورود، تغییر، پاک کردن و یا متوقف‌سازی داده‌های رایانه‌ای و برنامه‌های رایانه‌ای یا هرگونه مداخله دیگر در سیستم‌های رایانه‌ای یا ارتباطات صورت گرفته باشد.

د. تجاوز به حقوق انحصاری مالک یک برنامه رایانه‌ای حفاظت‌شده با قصد بهره‌برداری تجاری و ارائه آن به بازار.

هـ. دستیابی یا شنود در یک سیستم رایانه‌ای و یا ارتباطی که آگاهانه و بدون کسب مجوز از فرد مسئول سیستم مزبور، چه با تخطی از تدابیر امنیتی و چه با هدفی غیرشرافتمندانه صورت گرفته باشد (دزیانی، ۱۳۷۹).

اهداف تحقیق

هدف اصلی

تحلیل نقش سواد رسانه‌ای بر جرائم رایانه‌ای از دیدگاه متخصصان حوزه رسانه و ارتباطات

اهداف فرعی

شناخت نقش سطوح سواد رسانه‌ای بر جرائم رایانه‌ای
شناخت نوع جرائم ارتكابی توسط مجرمان رایانه‌ای

فرضیه اصلی

به نظر می‌رسد سواد رسانه‌ای بر جرائم رایانه‌ای نقش دارد.

فرضیه‌های فرعی

به نظر می‌رسد بین تعیین میزان و نحوه مصرف محصولات رسانه‌ای از منابع گوناگون رسانه‌ای و جرائم رایانه‌ای رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین آموزش مهارت‌های مطالعه یا تماشای انتقادی رسانه‌ها و جرائم رایانه‌ای رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین تجزیه و تحلیل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رسانه‌ها و جرائم رایانه‌ای رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق به کار گرفته شده در این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر نوع داده‌ها کمی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه متخصصان حوزه رسانه و ارتباطات است که برای مطالعه یک موضوع، لازم نیست که همه آن جامعه مشاهده و بررسی قرار گردد بلکه در اغلب موارد مشاهده جزئی از آن کافی است؛ به تعبیر دیگر، در بیشتر تحقیقات، نمونه‌گیری محقق را به مقصود می‌رساند. در تحقیق حاضر حجم نمونه از طریق نمونه‌گیری غیراحتمالی ۵۰ نفر از متخصصان حوزه رسانه و ارتباطات است. در نمونه‌گیری غیراحتمالی انتخاب نمونه بر اساس قوانین احتمالات صورت نمی‌گیرد و نمونه به مدد قضاوت انسانی حاصل می‌شود. گاهی اوقات نمونه‌گیری غیراحتمالی بهترین روش نمونه‌گیری است؛ مانند زمانی که امکان تهیه چارچوب نمونه‌گیری وجود نداشته باشد. به منظور کاهش خطای ناشی از نمونه‌گیری و احتمال ناقص بودن برخی از پرسش‌نامه‌ها، حجم نمونه تحقیق به تعداد ۵۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. در این تحقیق از آزمون‌هایی مانند کولموگروف-اسمیرنوف (آزمون نرمال KS) و آزمون مقایسه میانگین‌ها (آزمون T) استفاده شده است.

آزمون فرضیه‌های تحقیق

برای بررسی و آزمون فرضیه‌های تحقیق با توجه به سطح سنجش هر یک از متغیرهای به کار گرفته شده در آن فرضیه، آزمون متناسب آماری با آن انتخاب شده است. در ابتدا به سبب اطمینان از به کارگیری آزمون‌های آماری پارامتریک یا ناپارامتریک، آزمون نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف انجام گرفت که نتایج حاصل از آن به طور خلاصه در جدول زیر ارائه می‌شود:

جدول شماره ۱. نتایج آزمون فرض نرمال بودن داده‌ها توسط آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

متغیر	K-S	Sig
جرائم رایانه‌ای	۰/۹۴۱	۰/۳۳۹
محصولات رسانه‌ای	۰/۸۵۱	۰/۴۶۴
مهارت‌های مطالعه و تماشای انتقادی	۰/۶۷۶	۰/۷۵۱
تجزیه و تحلیل سیاسی	۰/۷۸۵	۰/۵۶۸

با توجه به جدول شماره ۱ هر یک از داده‌های مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته که با توجه به سطح معناداری آزمون k-s، که همگی بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشند، لذا داده‌ها نرمال می‌باشند و برای آزمون فرضیات از آزمون‌های پارامتریک استفاده می‌گردد.

فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد بین سواد رسانه‌ای و جرائم رایانه‌ای رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۲. آزمون ضرایب همبستگی پیرسون فرضیه اصلی

ضریب همبستگی پیرسون	سطح خطا	معناداری	متغیر مستقل	متغیر وابسته	نتیجه آزمون
۰/۱۲۶	۰/۰۵	Sig = 0/382	سواد رسانه‌ای	جرائم رایانه‌ای	تأیید H_0

سواد رسانه‌ای و جرائم رایانه‌ای رابطه مستقیم و معناداری ندارد. مقایسه ضریب همبستگی نشان می‌دهد که میزان همبستگی در این فرضیه ۰/۱۲۶ و میزان معناداری آن برابر با ۰/۳۸۲ است؛ یعنی بین سواد رسانه‌ای و جرائم رایانه‌ای در سطح ۰/۹۵ رابطه‌ای وجود ندارد.

فرضیه فرعی اول: به نظر می‌رسد بین میزان و نحوه مصرف محصولات رسانه‌ای و جرائم رایانه‌ای رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۳. آزمون ضرایب همبستگی پیرسون فرضیه فرعی اول

نتیجه آزمون	متغیر وابسته	متغیر مستقل	معناداری	سطح خطا	ضریب همبستگی پیرسون
تأیید H_0	جرائم رایانه‌ای	محصولات رسانه‌ای	Sig = 0/391	۰/۰۵	۰/۱۲۴

میزان و نحوه مصرف محصولات رسانه‌ای و جرائم رایانه‌ای رابطه معناداری ندارند. مقایسه ضریب همبستگی نشان می‌دهد که میزان همبستگی در این فرضیه ۰/۱۲۴ و میزان معناداری آن برابر با ۰/۳۹۱ است؛ یعنی بین محصولات رسانه‌ای و جرائم رایانه‌ای در سطح ۰/۹۵ رابطه وجود ندارد.

فرضیه فرعی دوم: به نظر می‌رسد بین آموزش مهارت‌های مطالعه یا تماشای انتقادی رسانه‌ها و جرائم رایانه‌ای رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۴. آزمون ضرایب همبستگی پیرسون فرضیه فرعی دوم

نتیجه آزمون	متغیر وابسته	متغیر مستقل	معناداری	سطح خطا	ضریب همبستگی پیرسون
رد H_0	جرائم رایانه‌ای	مهارت‌های مطالعه یا تماشای انتقادی	Sig = 0/000	۰/۰۵	۰/۴۵۴

آموزش مهارت‌های مطالعه یا تماشای انتقادی رسانه‌ها و جرائم رایانه‌ای رابطه مستقیم و معناداری دارد؛ یعنی با افزایش آموزش مهارت‌های مطالعه یا تماشای انتقادی رسانه‌ها، جرائم رایانه‌ای نیز افزایش می‌یابد. مقایسه ضریب همبستگی نشان می‌دهد که میزان همبستگی در این فرضیه ۰/۴۵۴ و میزان معناداری آن برابر با ۰/۰۰۰ است؛ یعنی رابطه بین آموزش مهارت‌های مطالعه یا تماشای انتقادی رسانه‌ها و جرائم رایانه‌ای در سطح ۹۹٪ رابطه‌ای مثبت و مستقیم است.

فرضیه فرعی سوم: به نظر می‌رسد بین تجزیه و تحلیل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رسانه‌ها و جرائم رایانه‌ای رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۵. آزمون ضرایب همبستگی پیرسون فرضیه فرعی سوم

نتیجه آزمون	متغیر وابسته	متغیر مستقل	معناداری	سطح خطا	ضریب همبستگی پیرسون
رد H_0	جرائم رایانه‌ای	تجزیه و تحلیل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رسانه‌ها	Sig = 0/018	۰/۰۵	۰/۳۳۵

تجزیه و تحلیل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رسانه‌ها و جرائم رایانه‌ای رابطه مستقیم و معناداری دارد؛ یعنی با افزایش تجزیه و تحلیل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رسانه‌ها، جرائم رایانه‌ای نیز افزایش می‌یابد. مقایسه ضریب همبستگی نشان می‌دهد که میزان همبستگی در این فرضیه ۰/۳۳۵ و میزان معناداری آن برابر با ۰/۰۱۸ است؛ یعنی رابطه بین تجزیه و تحلیل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رسانه‌ها و جرائم رایانه‌ای در سطح ۹۵٪ رابطه‌ای مثبت و مستقیم است.

آزمون رگرسیون

مؤلفه‌های محصولات رسانه‌ای، آموزش مهارت‌های مطالعه یا تماشای انتقادی رسانه‌ها و تجزیه و تحلیل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رسانه‌ها، جرائم رایانه‌ای را پیش‌بینی می‌کند.

جهت سنجش بهتر نقش مؤلفه‌های محصولات رسانه‌ای، آموزش مهارت‌های مطالعه یا تماشای انتقادی رسانه‌ها و تجزیه و تحلیل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رسانه‌ها بر جرائم رایانه‌ای از آزمون رگرسیون استفاده شده است.

جدول شماره ۶. آزمون رگرسیون محصولات رسانه‌ای، مطالعه و تماشای انتقادی، تجزیه و تحلیل سیاسی با جرائم رایانه‌ای

شاخص	R	R2	خطای استاندارد برآورد	دوربین واتسون
متغیرهای مستقل	۰/۱۵۸	۰/۰۳۴	۱/۱۵۹	۱/۹۵۴

جدول شماره ۶ خلاصه الگوی رگرسیون را نشان می‌دهد. با توجه به جدول مشخص می‌شود که ضریب همبستگی چندگانه بین محصولات رسانه‌ای، آموزش مهارت‌های مطالعه یا تماشای انتقادی رسانه‌ها و تجزیه و تحلیل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رسانه‌ها معادل ($R^2=0/034$) است. این مقدار نشان‌دهنده این واقعیت است که متغیرهای مستقل توانسته‌اند حدود ۳ درصد از واریانس تغییرات جرائم رایانه‌ای را پیش‌بینی کنند. مقدار دوربین واتسون در این آزمون نیز برابر با ۱/۹۵۴ است. جهت بررسی معناداری این مقدار به جدول ۴-۱۶ مراجعه می‌شود.

جدول ۷. آزمون مجموع مجذورات و خلاصه تحلیل واریانس

دامنه تغییرات	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مقدار F	سطح معناداری
رگرسیون	۲/۱۷۶	۰/۷۲۶	۳	۱۰/۱۱۶	۰/۰۰۰
باقی‌مانده	۶۱/۸۳۰	۱/۳۴۴	۴۶		
کل	۶۴/۰۰۹		۴۹		

با توجه به جدول ۷ مشخص می‌شود که از مقدار کل مجذورات مربوط به جرائم رایانه‌ای در بین (۶۴/۰۰۹) مقدار (۶۱/۸۳۰) واحد از آن با درجات آزادی ۳ و ۴۶ توسط محصولات رسانه‌ای، آموزش مهارت‌های مطالعه یا تماشای انتقادی رسانه‌ها و

تجزیه و تحلیل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رسانه‌ها پیش‌بینی می‌شود. مقدار به دست آمده برای این فرضیه نیز در سطح معناداری ۰/۰۱ معنادار به دست آمده است؛ یعنی با توجه به مقدار f جدول بحرانی این مقدار در سطح معناداری ۰/۰۱، معنادار به دست آمده است؛ لذا می‌توان گفت که محصولات رسانه‌ای، آموزش مهارت‌های مطالعه یا تماشای انتقادی رسانه‌ها و تجزیه و تحلیل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رسانه‌ها در مجموع توانسته‌اند ۳ درصد از واریانس جرائم رایانه‌ای را تبیین کنند.

جدول شماره ۸. ضرایب رگرسیون متغیرهای محصولات رسانه‌ای، مطالعه و تماشای انتقادی، تجزیه و تحلیل سیاسی با جرائم رایانه‌ای

Sig	t	ضریب استاندارد Beta	ضرایب غیراستاندارد		
			Std. Error	B	
۰/۲۱۱	۱/۲۶۸		۱/۰۴۷	۱/۳۲۷	مقدار ثابت
۰/۵۹۳	۰/۵۳۸	۰/۱۱۸	۰/۳۲۹	۰/۱۷۷	مطالعات و تماشای انتقادی رسانه‌ها
۰/۷۸۸	۰/۲۷۱	۰/۰۵۳	۰/۲۷۳	۰/۰۷۴	تجزیه و تحلیل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی
۰/۸۰۱	۰/۰۴۴	۰/۰۴۴	۰/۲۸۲	۰/۰۷۲	محصولات رسانه‌ای

جدول شماره ۸ ضرایب رگرسیون متغیرهای محصولات رسانه‌ای، آموزش مهارت‌های مطالعه یا تماشای انتقادی رسانه‌ها و تجزیه و تحلیل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رسانه‌ها با جرائم رایانه‌ای را نشان می‌دهد. با توجه به این جدول مشخص می‌شود هیچ‌کدام از متغیرهای مذکور نتوانستند پیش‌بینی معناداری از جرائم رسانه‌ای داشته باشند.

جمع‌بندی

آمار خیره‌کننده تعداد کاربران و دستگاه‌های رایانه در سال‌های اخیر رشد چشمگیری داشته است و بهره‌گیری از این اطلاعات و فناوری‌های اطلاعات نیاز به مهارت و تخصص دارد. امروزه در یک جهان رسانه‌ای شده زندگی می‌کنیم و زندگی ما به رسانه‌ها وابسته است؛ به گونه‌ای که رسانه‌ها و به‌طور ویژه اینترنت، جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده‌اند. فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی، جنبش جهانی در حوزه ارتباطات و انتقال محتواها و پیام‌های ارتباطی در سریع‌ترین زمان ممکن را به وجود آورده‌اند. از سویی دیگر، همین فناوری‌های جدید باعث تسهیل انجام خلاف قانون و رشد جرائم با استفاده از شیوه‌های جدید شده‌اند.

سواد خواندن، سواد بصری و سواد رایانه‌ای معادل سواد رسانه‌ای نیستند. در مقابل صرفاً اجزای سازنده آن‌اند. سواد رسانه‌ای شامل تمام این توانایی‌های ویژه و نیز چیزهای دیگر است. اگر در درک آداب بصری و روایی مشکل وجود داشته باشد، نمی‌توان از تلویزیون یا فیلم چیز زیادی فهمید. اگر نتوان از رایانه استفاده کرد، از آنچه به‌مرور زمان در مهم‌ترین رسانه رخ می‌دهد، بی‌خبر خواهیم شد. سواد رسانه‌ای فراتر از این توانایی‌های ویژه است؛ چیزی عمومی‌تر است. تعریف سواد رسانه‌ای چنین است: «سواد رسانه‌ای مجموعه‌ای از چشم‌اندازهاست که ما به‌طور فعالانه برای قرار گرفتن در معرض رسانه از آن‌ها بهره‌برداری می‌کنیم تا معنای پیام‌هایی را که با آن‌ها مواجه می‌شویم، تفسیر کنیم» (Christ & Potter, 1998, p.8).

در جوامع امروزی سواد رسانه‌ای اهمیت بیشتری یافته است؛ چراکه با پیشرفت جوامع و توسعه فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات در روش انتشار پیام، یک نوع پیچیدگی زبانی در رسانه‌ها به وجود آمده است که به‌تناسب آن باید شهروندان توانایی بهره‌گیری از این رسانه‌ها را به دست آورند. در واقع سواد رسانه‌ای یک نوع برنامه توانمندسازی است که شهروندان بتوانند زبان رسانه‌ای جدید را درک کنند. هدف سواد رسانه‌ای که خود ناظر بر اهمیت آن هم است، این است که به مردم کمک کند تا به شهروندانی پیچیده، یعنی شهروندانی آگاه و با ظرفیت‌های موردنیاز جامعه امروز تبدیل شوند، نه به مصرف‌کنندگانی پیچیده. در گامی فراتر می‌توان چنین اظهار داشت که

هدف سواد رسانه‌ای ارتقای خود رهبری از طریق فرایندهای استدلال، تحلیل، مفاهمه و مهارت‌های ابزار وجود است (ارجمندی، ۱۳۸۴).

شناخت رسانه‌ها خصوصاً رسانه‌هایی که بیشتر استفاده می‌شوند و نوع استفاده‌ای که کاربران از آن‌ها دارند (که می‌تواند این استفاده مفید یا در مواقعی نیز شکل جرم را به خود بگیرد) و همچنین شناخت مخاطبان آن‌ها و میزان آگاهی مخاطبان از سواد رسانه‌ای، امری ضروری است. همچنین آگاهی دربارهٔ تحلیلی که متخصصان حوزه ارتباطات از نقش سواد رسانه‌ای بر جرائم رایانه‌ای دارند، می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های مسئولان جامعه (چه در نقش مقام و مسئول سیاسی یا اجتماعی و یا فرهنگی و یا حتی مذهبی) و همچنین تدوین قوانین بیشتر و کارآمدتری در رابطه با جرائم رایانه‌ای مفید واقع شود. شاید اگر وضعیت و میزان بهره‌وری افراد از شاخص‌های سواد رسانه‌ای بهبود یابد، کمتر مورد حمله جرائمی قرار گیرند که در فضای مجازی وجود دارد. شاید هم بهتر باشد بدانیم مجرمان رایانه‌ای چه عواملی از سواد رسانه‌ای را دارا می‌باشند که افراد جامعه برای در امان ماندن از این جرائم، نیازمند تقویت آن عوامل و شاخص‌ها در خود می‌باشند.

یادداشت‌ها

1. OECD
2. Cherist & Potter
3. Ruminski & Hanks
4. Jain Talim
5. Burniske
6. ICT (Information communication Technology)
7. Computer crime
8. Virtual crime
9. Cyber crime
10. Online crime
11. Digital crime
12. High- tech crime
13. Computer- reatel crime
14. Tele communications- related crime
15. Computer- assisted crime
16. Computer- assisted crime
17. Cyber terrorism
18. OECD

کتابنامه

- ابراهیمی، ب (۱۳۸۷)، «سواد رسانه‌ای»، وبلاگ رسانه‌های نوین، در:
<http://resanehayenovin.blogfa.com/post-88.aspx>
- ارجمندی، غ (۱۳۸۴)، «سواد رسانه‌ای در گفتگو با دکتر غلامرضا ارجمندی»، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، س ۸، تابستان، ش ۴، ۴-۹.
- افراسیابی، م (۱۳۸۷)، «سواد رسانه‌ای ضرورت زندگی در عصر ارتباطات»، در:
<http://www.iran-newspaper.com/1387/870921/pdf/kerman/i4.pdf>
- بصیریان جهرمی، ح و بصیریان جهرمی، ر (۱۳۸۵)، «درآمدی به سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی»، فصلنامه رسانه، س ۱۷، زمستان، ش ۴، ۳۱-۴۱.
- پاتر، ج (۱۳۸۵)، «تعریف سواد رسانه‌ای»، ترجمه لیدا کاووسی، فصلنامه رسانه، زمستان، س ۱۷، ۷-۲۴.
- پرویزی، ر (۱۳۸۱)، «جرائم کامپیوتری و اینترنتی»، ابرار اقتصادی، ش ۱، ۲ و ۸، ۲۳ مهر.
- حسینی پاکدهی، ع (۱۳۸۷)، «جامعه‌شناسی تبلیغات، جزوه درسی دوره کارشناسی ارشد»، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی، سال تحصیلی ۸۷-۸۸.
- حیدری زهراپور، م (۱۳۸۳)، «سواد رسانه‌ای و آموزش رسانه‌ای»، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال یازدهم، بهار، ش ۳۷، ۱۵۷-۱۶۷.
- خرم‌آبادی، ع (۱۳۸۳)، «جرائم فناوری اطلاعات»، پایان‌نامه مقطع دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- زاهدی، ع (۱۳۹۵)، «قوانین و مقررات ناظر بر جرائم رایانه‌ای» در:
www.bookboon.com/policing-cyber-crime-BY:petter-Gottschalk
- سپاسگر، م (۱۳۸۴)، «رویکردهای نظری به سواد رسانه‌ای»، فصلنامه پژوهش و سنجش، س ۱۲، زمستان، ش ۴۴، ۱۱۹-۱۳۲.
- شکرخواه، ی (۱۳۸۰)، «نیاز مخاطبان به سواد رسانه‌ای»، فصلنامه پژوهش و سنجش، س ۸، تابستان، ش ۲۶.
- همو (۱۳۸۵)، «سواد رسانه‌ای، یک مقاله عقیده‌ای»، فصلنامه رسانه، س ۱۷، زمستان، ش ۶۸.
- همو (۱۳۸۸)، «سواد رسانه‌ای چیست؟»، در: www.hamshahrionline.ir/News/?id=7909

قاسمی، ط (۱۳۸۵)، «سواد رسانه‌ای، رویکردی نوین به نظارت رسانه‌ای»، مجلس و راهبرد، پاییز، ش ۵۳.

مولانا، س (۱۳۸۴)، *مجله بازتاب اندیشه*، تابستان، ش ۶۴، ۱۱۳-۱۱۵.

معمد نژاد، ر (۱۳۸۵)، «جایگاه بنیادی آزادی بیان و اطلاعات در جامعه معرفتی: فرصت‌ها و محدودیت‌ها»، در: <http://www.iranwsis.ir/Default.asp?C=IRAR&R=&I=212#BN212>

مهدی‌زاده، س (۱۳۸۴)، «نظریه‌های ارتباطات جمعی»، جزوه درسی دوره کارشناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی، سال تحصیلی ۸۴-۸۵.

همشهری آنلاین، (۱۳۸۸)، «قانون جرائم رایانه‌ای»، در: <http://www.cyberpolice.ir/page/42981>

یزدی مقدم، ع (۱۳۹۱)، «جرائم رایانه‌ای»، در: <http://www.yadbegir.com/main/viruse/types.htm>

Adams, D.M. & Hamm, M.E. (1998), *Media and Literacy: Learning in an Electronic*.

Christ, W. & Potter, W.J. (1998), "Media Literacy, Media Education & Academy", *Journal of Communication*, 48(1), 5-13.

Ruminski, H. & Hanks. W. "Critical Thinking Lacks Definition and Uniform".